

مردم محوری یک روحانی قانونمدار تا پای جان

«۱۱۲ سال پیش را تصور کنید؛ قشون روس‌های تزاری از سوی آذربایجان وارد ایران شده‌اند. وضعیت در تبریز بحرانی است. خبرهای اعدام مشروطه خواهان و مجاهدان آزادی خواه از کوی و برزن به گوش می‌رسد.



ایسنا/آذربایجان شرقی «۱۱۲ سال پیش را تصور کنید؛ قشون روس‌های تزاری از سوی آذربایجان وارد ایران شده‌اند. وضعیت در تبریز بحرانی است. خبرهای اعدام مشروطه خواهان و مجاهدان آزادی خواه از کوی و برزن به گوش می‌رسد. فشار روس‌ها بر ثقة‌الاسلام، شخصیت برجسته و رئیس شیخیه تبریز بیشتر شده تا نامه‌ای را بنویسد و امضا کند که روس‌ها به دعوت خود مردم ایران به این مملکت آمده‌اند. مضحکانه‌تر از این هم مگر است. ثقة‌الاسلام، زیر بار چنین استعماری نمی‌رود. نمی‌نویسد و امضا هم نمی‌کند و حتی مهرش را می‌شکند تا مردم را از دین آن‌ها سازد اما در نهایت، ظهر عاشورای سال ۱۲۹۰ هجری شمسی به دست قشون روسی در خاک تبریز به دار آویخته می‌شود.»

ثقة‌الاسلام را با اندیشه‌های سیاسی اش می‌شناسند. نظریه‌هایی که در تدوین قانون اساسی و عین شدن قانون با دین داشت، در کنار اندیشه‌های اجتماعی و «در کنار و برای مردم بودن»، از این انسان فرهیخته، یک شخصیت برجسته و عالم در بین مردم تبریز و حتی کشور ساخته بود.

به گزارش ایسنا، نامش «میرزا علی تبریزی» است. یک عالم دینی، نویسنده و مبارز مشروطه خواه تبریزی که تحصیلات دینی را در تبریز به پایان رساند و سپس در عتبات نزد اساتیدی چون «زین العابدین مازندرانی» به ادامه تحصیل پرداخت. میرزا علی، پس از بازگشت به ایران و فوت پدرش از سوی مظفرالدین شاه و به پیشنهاد محمدعلی میرزا ولیعهد، لقب «ثقة‌الاسلام» را دریافت کرد و رسماً ریاست شیخیه تبریز را بر عهده گرفت.

تاریخچه مشروطه در تاریخ ایران به دو قسمت تقسیم می‌شود. بخش اول آن، تاریخچه دور و دراز از قانع کردن ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و سپس امضای فرمان به دست مظفرالدین شاه قاجار دارد و بخش دوم نیز پس از به توپ بستن مجلس و پایداری مردم و آزادی خواهان آذربایجان در این نهضت است.

وقتی فرمان مشروطیت پس از چندین سال کش و قوس بالاخره در ۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ توسط مظفرالدین شاه صادر شد، این شاه بیمار تنها دو سال بعد از صدور فرمانش زنده ماند و در این مدت نیز افراد مختلفی از مناطق مختلف کشور به عنوان نماینده مردم، اجازه ورود به مجلس را پیدا کردند اما پس از فوت مظفرالدین شاه و بر تخت نشستن محمد علی میرزای بیگانه پرست، این شاه جوان دستور به توپ بستن مجلس را داد.

پس از به شهادت رسیدن، اسیر شدن و فرار تعدادی از نمایندگان مجلس، مشروطه خواهان بسیاری در کشور دست به اعتراض زدند اما همگی ناکام ماندند ولی تبریز با پیشتازی ثقة‌الاسلام، ستارخان و باقرخان تا آخر قیام خود ایستاد و طی ۱۱ ماه از جان و دل در راه رسیدن به خواسته‌های مشروطه و اهداف دیرین خود مقابل قوای دولتی قاجار گذشتند. در این دوران حتی عده‌ای از مشروطه خواهان از گرسنگی جان به جان آفرین تسلیم کردند اما در پی ایستادگی این مردم، مشروطه بار دیگر در کشورمان جان گرفت که هزینه آن برای مردم آذربایجان گران تمام شد.

وقتی پایداری مردم آذربایجان جواب داد و ستارخان و باقرخان به اصرار ثقة‌الاسلام راهی تهران شدند، روس‌های تزاری که کارشان در انگشت چرخاندن محمدعلی شاه قاجار موفق بود، این بار از منطقه آذربایجان وارد ایران شده و این بخش از کشور را با رضایت شاه قاجار محاصره کردند. علی‌رغم فشار روس‌ها برای متفرق کردن مشروطه خواهان از تبریز اما ثقة‌الاسلام، قرار را بر فرار ترجیح داده و تا انتها اجتهاد خود را برای مردم نشان داد.

مشروطه خواهانی که توسط روس‌ها دستگیر می‌شدند به کنسولگری روس‌ها واقع در باغشمال تبریز برده شده و بعد در کوچه‌ها و محلات مختلف تبریز به دار آویخته می‌شدند. در این میان، روز دهم محرم و عاشورای حسینی نقطه ثقل این وقایع است که ثقة‌الاسلام، رئیس شیخیه تبریز به همراه هفت تن دیگر از جمله پسران ۱۸ و ۱۶ ساله علی موسیو مقابل چشمان عزاداران حسینی اعدام شدند.

با توجه به ابعاد گسترده زندگی و شخصیتی ثقة‌الاسلام شهید، شخصیت برجسته تاریخ مشروطیت آذربایجان به سراغ علی آذریان، محقق جامعه‌شناسی سیاسی رفتیم تا با این انسان فرهیخته قانونمدار بیشتر آشنا شویم.

علی آذریان، محقق جامعه شناسی سیاسی در گفت وگو با ایسنا، می گوید: شهید میرزا علی آقا ثقة الاسلام در دو جنبش بزرگ اجتماعی «تنباکو» و «مشروطه» تاریخ ایران حضور داشت. در دوران جوانی با جنبش تنباکو در کنار میرزای شیرازی همراهی کرد و با مطرح کردن ابعاد استعماری انگلیس به مردم و به خصوص مردم خطه آذربایجان آگاهی داد و از آن زمان نیز وارد مباحث سیاسی شد. اوج اندیشه ورزی و نظریه پردازی ثقة الاسلام به دوره معاصر جهان و مصادف با مشروطه ایران برمی گردد.

وی می افزاید: ثقة الاسلام در مشروطه ایران، نقشی محرک داشت و یکی از نظریه پردازان و تدوین گران نهضت مشروطه بود. این شخصیت عالم، مسائل و موارد مربوطه را با مردم درمیان گذاشته و با تمام قدرت نیز حضوری فعال در عرصه داشت.

وی با اشاره به نظرات برجسته ثقة الاسلام در بحث قانون اساسی، اظهار می کند: یکی از مهمترین مباحث، نگاه دموکراتیک و آزادی خواهانه ثقة الاسلام به مسائل بود که تفکیک قوا را به عنوان جدی ترین بحث مطرح کرده و تاکید می کرد که این موضوع باید در قانون اساسی مطرح شود. بنا به اعتقاد وی، اگر تفکیک قوا انجام نگیرد و تمامی قدرت یک کشور بر روی یک متمرکز شود، دیکتاتوری بر آن کشور حاکم می شود.

حمایت از تفکیک سه قوه در کشور

آذریان ادامه می دهد: این شخصیت عالم زمان، تفکیک سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه در ایران را مطرح کرده و می گوید که قوه مقننه، وظیفه وضع قوانین، دفاع از حقوق شهروندی و نظارت بر اجرای قوانین را دارد. او معتقد بود که «اگر قوه مقننه در کشور قوی باشد، قطعاً قوه های مجریه و قضائیه نیز عملکرد بهتری خواهند داشت.»

وی با بیان این که دستاورد بزرگ نهضت مشروطه، تدوین قانون اساسی است، می گوید: کشور ما تا سال ۱۲۸۵ شمسی قانون اساسی نداشت و ما از زمان مشروطه به بعد قانون اساسی را تدوین کردیم. البته آن قانون اساسی تدوین شده، هدف نهایی ما نبود و قانون اساسی کنونی کشورمان، دربرگیرنده تفکرات اصلی مشروطه بوده و اکنون نیز جزو باظرفیت ترین قانون های اساسی جهان به شمار می رود.

وی با اشاره به ابعاد شخصیتی ثقة الاسلام شهید، اضافه می کند: مردم مداری ثقة الاسلام از جمله ویژگی های بارز این شهید است. ثقة الاسلام، هیچگاه از بطن مردم جدا نشد و در آن مقطع زمانی که چندین پیشنهاد برای حضورش در سفارتخانه به او داده شده بود و می توانست آن ها را قبول کند و جانش در امان بماند اما هیچگاه آن ها را قبول نکرد و در کنار مردم ماند و جانش را نیز برای مردم قربانی کرد. این شخصیت عالم به اعدام رفت تا هیچ سند و نامه ای علیه مردم ایران، امضا نکند.

این محقق جامعه شناس تاکید می کند: ثقة الاسلام، یکی از بزرگترین و مهمترین افراد تاریخی است که نظریه متکی بر مردم بودن، قانونگرایی و عدم دخالت قواها در کار یکدیگر را مطرح کرده و حتی برای آن ها نیز نظریه دارد.

وی در ادامه در خصوص دلیل شهادت ثقة الاسلام نیز می گوید: تاریخ مشروطه دارای دو برهه است. یک مرحله آن به سال ۱۲۸۵ شمسی برمی گردد که تمامی ایران تقریباً به جنبش برخاسته و مشروطه و مجلس با امضای مظفرالدین شاه تشکیل می یابد و قانون اساسی نیز نوشته می شود اما متأسفانه حدود دو سال بعد از این امضا که مظفرالدین شاه می میرد، فرزندش محمدعلی شاه بر تخت نشسته و مجلس را به توپ می بندد و مشروطه در کل ایران شکست می خورد. پس از این مقطع، تمامی ایران تسلیم شده و عده ای از مشروطه خواهان نیز از کشور فرار می کنند و عده ای نیز زندانی و شهید می شوند.

وی ادامه می دهد: جریان مشروطه دوم، دو سال بعد از آن شروع می شود و در آن زمان نیز علی رغم تسلیم شدن دوباره ایران اما تبریز تسلیم نمی شود و نقش آذربایجان در همین دوران در بحث مشروطه برجسته است. در این برهه، شخصیت هایی چون ستارخان، باقرخان، شیخ محمد خیابانی، ثقة الاسلام و علی مسیو، جزو مشروطه خواهان بودند و از آزادی خواهان و مجاهدان دفاع می کردند از قیام خود پا پس نکشیدند و به جنگ با مخالفان مشروطه رفتند. ارگ علیشاه در آن زمان، اسلحه خانه بود و مردم تبریز نزدیک به ۱۱ ماه از طرف دولت مرکزی به فرماندهی عین الدوله، بیوک خان اهری، رحیم خان ماکویی و شجاع الدوله مراغه ای محاصره شدند و جنگ کوچه به کوچه انجام گرفت اما مجاهدان هرگز تسلیم نشدند تا این که مجلس بار دیگر به وسیله مشروطه خواهان آذربایجان در کشور تشکیل یافت.

آذریان تشریح می کند: وقتی مجلس تشکیل یافت و ستارخان و باقرخان به تهران رفتند، محمدعلی شاه تسلیم فشار روس ها

شد و قبول کرد تا آن‌ها برای سرکوب قیام مردم آذربایجان وارد ایران شوند. در آن زمان، کل ایران از قیام مردم آذربایجان و اندیشه‌های مجاهدان دفاع می‌کردند اما روس‌ها با هماهنگی دولت مرکزی و شاه قاجار از طرف شمال، انگلیس‌ها نیز از طرف جنوب وارد کشور شدند.

وی می‌افزاید: ثقة‌الاسلام در این برهه تاریخی به تنهایی در تبریز مقابل روس‌ها می‌ایستد و از مردم دفاع می‌کند. روس‌ها، مشروطه‌خواهان را یک به یک اعدام می‌کردند و وقتی نوبت به ثقة‌الاسلام رسید، از او خواستند تا نامه‌ای بنویسد و امضا کند که «خود مردم ایران از روس‌ها خواسته‌اند که به ایران بیایند. مجاهدان نیز می‌خواستند روس‌ها را بزنند اما آن‌ها از خود دفاع کردند و کشت و کشتار شد» اما ثقة‌الاسلام می‌گوید که این حرف دروغ است و هرگز آن را امضا نمی‌کند و حتی مهرش را می‌شکند تا کسی بعد از او، نامه را امضا نکند.

۸ تبریزی که به دست اجنبی در خاک خود اعدام شدند

وی ادامه می‌دهد: ثقة‌الاسلام ظهر روز عاشورای سال ۱۲۹۰ شمسی به همراه شیخ سلیم، ضیاءالعلماء، محمدقلی خان دایی او، صادق الملک، آقا محمدابراهیم، حسن پسر ۱۸ ساله علی مسیو و قدیر برادر ۱۶ ساله اش به دار کشیده شدند. روس‌ها می‌خواستند تا این اعدام به دست خود ایرانی‌ها انجام بگیرد اما چون امتناع کردند، خود روس‌ها، خون این انسان‌های بیگناه و آزاده را بر گردن گرفتند.

دسته حسینی می‌توانست اعدام را متوقف کند؟!

این پژوهشگر با اشاره به موضوع قابل بحثی در رابطه با زمان اعدام ثقة‌الاسلام، می‌گوید: در زمان اعدام این افراد، دسته شاخسی(شاه حسین گویان) مارالان از آن منطقه می‌گذشت، بنابراین به آن‌ها گفته شد، از آن جایی که در دسته شاخسی به رسم قدیمی، عزاداران با شمشیر مثل یک لشکر کنار یکدیگر حرکت می‌کنند، این دسته نیز با شمشیرهای خود به میدان اعدام برود تا روس‌ها از آن‌ها ترسیده و جرئت اعدام نداشته باشند اما آن زمان برخی مخالفت کردند که نباید دسته حسینی را وارد سیاست کرد و نمی‌توان اینکار را انجام داد، بنابراین این قضیه منتفی شد.

وی تأکید می‌کند: متأسفانه عقیده جدایی دین از سیاست و این که نباید امام حسین(ع) را قاطی سیاست کرد، نگذاشت تا دسته وارد میدان اعدام شود. در حالی ما نباید فلسفه قیام امام حسین(ع) را فراموش کنیم و بدانیم که دین همواره در تمامی جریان‌های سیاسی و اجتماعی بوده و امروز مسئولیت ما نیز تبیین صحیح این قیام جهانی و همچنان زنده است که اگر به درستی تبیین شود، تمامی قیام‌ها و جنبش‌های اجتماعی دینی و غیردینی در دنیا و حتی آزادگان جهان نیز از آن درس می‌گیرند.

آذریان با تأکید بر این که باید از ابعاد مختلف، شخصیت ثقة‌الاسلام را بشناسیم، می‌گوید: این شخصیت در عین کمک به مجاهدان، ابعاد مختلف فرهنگی نهضت مشروطه را نیز بیان می‌کند. اگر در نهضت مشروطه، اندیشه‌های ثقة‌الاسلام و امثال وی مثل شیخ محمد خیابانی و شیخ فضل الله نوری اجرایی می‌شد، چه بسا این نهضت ناکام نمی‌ماند. نفوذ روشن فکران غرب گرا و اندیشه‌ورزان تحت تأثیر پروپاگاندای غرب و استعمار انگلیس و روس باعث شد تا نهضت مشروطه ناکام بماند و به اهدافش نرسد و در نهایت نیز زمینه را برای استبداد چون رضاخان آماده شد.

دغدغه مردم در دوره مشروطه برای ثقة‌الاسلام بیش از همیشه قوت گرفت و راهگشای مبارزه‌ای برای مردم از دیار آذربایجان شد. ثقة‌الاسلام، در تمامی لحظات تاریخی و سیاسی که حضوری فعال در عرصه داشت، روشننگری و آگاهی بخشی به مردم را رکن اساسی خود قرار داده بود و نامه‌هایی که از او برجای مانده نیز گواهی بر این ادعا است.

نامه‌ها و نوشته‌های گرانبهای ثقة‌الاسلام در روشننگری مردم

قاسم تبریزی، پژوهشگر تاریخ در خصوص این نامه‌ها، می‌گوید: نامه‌ها و آثاری پیرامون مشروطیت از ثقة‌الاسلام شهید برجای مانده است که بخشی از آن مربوط به قانون‌گرایی در مشروطه و همکاری و وحدت است و بخشی دیگر نیز خطاب به حرکت‌هایی که منجر به ایجاد اغتشاشات و تشنج بین مردم از طرف جریان معارض با اسلام و دین از جمله مدافعان حزب دموکرات سید حسن تقی زاده انجام می‌گیرد، بود.

وی با بیان این که نوشته‌های بسیاری از ثقة‌الاسلام در خصوص تقی زاده وجود دارد، می‌افزاید: ثقة‌الاسلام تقی زاده را فردی بیسواد برمی‌شمرد که نمی‌تواند نماینده مردم تبریز در مجلس باشد. در برخی نامه‌ها نیز حرکت‌های وی را معارض با اسلام و اساس مشروطه می‌داند. سید حسن تقی زاده و محمدعلی تربیت در تبریز تشکیلاتی داشتند که مخالفت با اسلام و اعتقادات

دینی و روحیه غرب‌گرایی و غرب‌زدگی در آن‌ها وجود داشت. این تشکیلات در ابتدا به صورت پاتوق بود اما بعداً گسترش یافت که ثقه الاسلام در نوشته‌های خود، این جریان را افشا می‌کند.

مخالفت شدید ثقه الاسلام با تفکرات تقی زاده منحرف از اهداف مشروطیت

وی ادامه می‌دهد: عملکرد افرادی نظیر تقی زاده، به عنوان انقلابی تندرو در تبریز و تهران خلاف قانون و اهداف مشروطه بودند. ثقه الاسلام به همراه با محروم آیت الله میرزا صادق آقای تبریزی در انجمن ایالتی آذربایجان حضور داشتند که انجمنی موافق مشروطیت بودند. این انجمن یک نوع شورایی بود که بزرگان و شخصیت‌های عالم در آن برنامه ریزی می‌کردند که پس از انحراف تقی زاده و انجمن از اهداف مشروطه از آن خارج شدند و انجمن کاملاً در دست طیف وابسته تقی زاده افتاد.

تبریزی خاطرنشان می‌کند: تقی زاده با تمامی طیف‌های ضداسلامی حتی حزب ارامنه و عده‌ای از سوسیال‌دموکرات‌ها همراهی می‌کرد و در یک جا متمرکز نمی‌شد و در هر جریانی که فعالیت‌های سیاسی و انقلابی و حرف‌نو و جریانات نوگرایی داشتند، می‌ماند.

وی با بیان این که بخشی از نامه‌های ثقه الاسلام در کتاب مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، استاد محمدحسن رجیبی دوانی آمده است، می‌گوید: ثقه الاسلام در بحث انتخابات مجلس نیز بیانیه‌هایی دارد که معتقد است، در انتخابات تقلب و دسیسه کرده‌اند و دموکرات‌ها را متهم می‌کند. دلیل آن هم این بود که محمدرضا مساورات از وابستگان تقی زاده و تربیت که هیچ اطلاعاتی از تبریز نداشت و مردم هم او را نمی‌شناختند، به یکباره نماینده مردم تبریز در مجلس شد.

وی ادامه می‌دهد: حزب تقی زاده در مجلس نیز یکسری درگیری‌هایی ایجاد می‌کردند که ثقه الاسلام در نوشته‌هایش می‌گویند: آن‌ها آبروی ما را در تهران برده‌اند؛ هم چنین تقی زاده را به عنوان پارتی باز و مغایر با رویه انقلاب مشروطه دانسته و تاکید می‌کند که از بین ۱۹ نماینده آذربایجان در مجلس باید امثال مساوات کنار گذاشته شوند.

این تاریخ‌شناس با گذری به شخصیت ثقه الاسلام بر اساس نوشته‌هایش، اظهار می‌کند: ثقه الاسلام یک شخصیت مورخ، کتاب‌شناس، پژوهشگر، اندیشمند، دوراندیش و آینده‌نگر بود. او حتی بیانیه‌ای دارد که می‌گوید در آن زمان نیاز به تاسیس مدارس در سطح دانشکده‌های امروزی در جامعه وجود دارد.

وی در ادامه با اشاره به رساله لالان ثقه الاسلام، می‌گوید: در این رساله به مسائلی چون حفظ استقلال مذهب از طریق استقلال مملکت که باید بر اساس مبانی مذهب شیعه باشد، حفظ استقلال ایران از کشورهای متجاوز به خصوص روسیه تزاری و انگلستان، حفظ مشروطیت و قانون اساسی و اصول شورا، قناعت عمومی در بحث بین‌الملل و سرمایه‌ملی، پرهیز از اسراف و پرداختن به اشرافیت و سعی در اتحاد مسلمانان برای رسیدن به استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی یا اقتدار ملی اشاره شده است.

وی ادامه می‌دهد: ثقه الاسلام بر قانون‌مداری، تاکید فراوانی داشت و حتی یکی از اتهاماتی که به تقی زاده می‌زد نیز این بود که او از قانون عبور کرده و مقید به قانون نیست و در رساله خود می‌گوید که «مسلک خصوصی من در اجرای این مقاصد، اصلاحی و اقتصادی است و تند رفتن و شتابزدگی موجب خسارت و زود خسته شدن و به منزل نرسیدن است. از طرفی کند کردن و به خواب رفتن نیز موجب نرسیدن به مقصود می‌داند. نه کار فردا را باید امروز طی کرد و نه کار امروز را باید به فردا انداخت. طبیعت من از هرج و مرج، بیزار است و از کثرت مخارجی که به ملت می‌شود، متنفر هستم.»

تبریزی می‌افزاید: ثقه الاسلام در رساله لالان تاکید دارد که نظام نامه داخلی احزاب نیز باید بر اساس اصل اسلامیت، دیانت، قانون اساسی و وحدت باشد. این شهید یک تلگرافی مفصل نیز به نایب‌السلطنه احمدشاه یعنی ناصرالملک دارد که می‌گوید: «امروز که فقر و سفالت، گرسنگی، برهنگی و تنگدستی با تازیانه‌های آتشین جامعه ما را گرفته است، برخی از افراد به عنوان انقلابی تندرو، امنیت را خدشه دار کرده و شما باید اصل را بر وحدت و امنیت بدانید تا جامعه بتواند به اهداف خود برسد.»

وی معتقد است، کلیه قوانینی که تصویب می‌شوند نباید معارض با شیعه اثنا عشری و معارض با دین باشند در حالی که تقی زاده، مسئله جدایی دین از سیاست را مطرح می‌کند و ثقه الاسلام در جای دیگر این نظریه را باطل دانسته و می‌گوید که این موضوع غرب‌گرایی را نشان می‌دهد.